

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۴۶۷-۴۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۶

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1914326.2120](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1914326.2120)

بررسی شعر اعتراض در سروده‌های منتقدترین شاعران مشهور انقلاب اسلامی

رضا کریمی لاریمی^۱، دکتر رضا فرصتی جویباری^۲، دکتر حسین منصوریان^۳

چکیده

در دوره انقلاب اسلامی، شاعران متعهد و ملتزم، برای دفاع از ارزش‌های انقلاب و ترویج افکار انقلابی، به بیان واقعیت‌ها و انتقاد از مشکلات و بیان مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی و... دوران خود پرداخته‌اند. که این اشعار به «شعر اعتراض» موسوم گشته‌اند. شعر اعتراض به عنوان جریان ادبی نوپا، نوعی شعر اجتماعی و از بن‌مایه‌های شعر پایداری سرچشمه می‌گیرد. از میان شاعران، سلمان هراتی، سید حسن حسینی، قیصر امین پور و علیرضا قزوه از جمله شاعران منتقد به شمار می‌روند. این پژوهش سعی دارد به بررسی درون‌مایه‌ها، شیوه‌های بیان، لحن و قالب اعتراضی در اشعار شاعران مشهور بعد از انقلاب اسلامی در حیطه‌های گوناگون (سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و...) پردازد و وجه اشتراک و افتراق سروده‌های آن‌ها را در این زمینه بررسی نماید. این جستار به شیوه توصیفی، تحلیلی، آماری و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. شاعران در انتقاد از معضلات کشور یا جامعه بشری از نگرشی واقع‌گرایانه و در عین حال فرامرزی برخوردارند، به طوری که، اشعار اعتراضی آنان بازتابی از شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه و زمان است و چنین اشعاری علاوه بر حضور فعال شاعران معترض در عرصه‌های سیاسی و ادبی جامعه، تأییدی است بر نظریه جامعه‌شناختی ادبیات که هنر را همواره از بسترهای اجتماعی و سیاسی متأثر می‌داند و در نهایت اینکه هدف شعر اعتراض، حفظ ارزش‌های اسلامی، اصلاح نمودن جامعه و مبارزه با بی‌عدالتی است. بنابراین بیشترین بسامد بازتاب درون‌مایه‌های اعتراضی در اشعار سید حسن حسینی و کمترین نمود آن مربوط به قیصر امین پور است که به ترتیب در قالب‌های سپید، نیمایی، غزل، هایکو، رباعی و... در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سروده شده است که گاهی این اعتراض‌ها جهانی و گاهی داخلی است که اعتراض‌های نوع اول حول اعتراض به سیاست‌های قدرت‌های جهانی می‌چرخد و اعتراض‌های درون‌کشوری مربوط به بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه است.

کلید واژگان: ادبیات انقلاب اسلامی، شعر اعتراض، سلمان هراتی، سید حسن حسینی، قیصر امین پور و علیرضا قزوه.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

Reza.karimilrimi@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسئول)

r.forsati@qaemiau.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

h.mansoryan@qaemiau.ac.ir

مقدمه

انسان معاصر همواره در حال عصیان در برابر خمودی و ایستایی است و این عصیان و اعتراض خود را در آثار و نوشته‌های خود به صورت شعر، اشعار، داستان، طنز و... نمایان می‌سازد. این عصیان، گاه علیه فرهنگ‌های دروغین، گاه مقابل دشمنانی خارجی و گاه اعتراض علیه ضد ارزش‌ها و تغییر مسیر انگیزه‌ها و اهداف دینی و اجتماعی است که روی هم رفته ادبیات اعتراض را به وجود می‌آورد. در حقیقت ادبیات اعتراض می‌کوشد تا نقطه‌های تاریک زندگی جامعه را به قصد اصلاح مطرح کند و به این منظور به بسیاری از سستی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، نابسامانی‌ها، بی‌توجهی‌ها و... می‌تازد و سلاح کوبنده و مؤثر انتقاد را همیشه در دست دارد، گاه جامعه رنج کشیده و بحران زده را جرقه‌ای لازم است تا به جوشش و تلاطم هم گیر برسد و این رسالت را هنرمندان و اهل ادب متعهد بر عهده دارند. این مقوله از ادبیات گونه‌ای است که طی آن هنرمند به منظور بیان مشکلات جامعه و روشنگری و آگاهی بخشی، نارضایتی خود را از وضع موجود ابراز می‌دارد. شاعران متعهد، بواسطه رسالت و مسئولیتی که بر دوش خود احساس می‌کنند نسبت به نابهنجاری‌های گوناگونی که به ویژه در ساختار اجتماعی و سیاسی می‌بینند، واکنش نشان می‌دهند. خصوصیت این گونه اشعار اعتراضی در دوره بعد از انقلاب اسلامی این است که در زمان صلح یا جنگ سروده شده‌اند و هدف آن‌ها براندازی نظام حاکم بر کشور نیست. مخاطب آن‌ها بیشتر، مسئولان داخل کشور است و هدف آن‌ها بیشتر ایجاد عدالت اجتماعی است و قصد دارند با بیان این مشکلات و اعتراض‌ها جامعه را به سمت اصلاح و بهبود پیش ببرند.

شعر اعتراض از بنمایه‌های شعر متعهد و پایداری سرچشمه می‌گیرد واز دیرباز در ادبیات فارسی به اشکال مختلف وجود داشته است. آثار اغلب شعرا و نویسندگان برجسته ایرانی از گذشته تا امروز، آینه تمام‌نمای محیط و روزگار زندگی بوده است. چنان که بسیاری از آنان در تحلیل و تبیین دشواری‌های زندگی به مراتب تیزبین‌تر و حساس‌تر از سایر دانشمندان اجتماعی بوده‌اند و نسبت به مسایل و مشکلات جامعه، احساس مسئولیت می‌کردند؛ در نتیجه با سرودن اشعار اعتراضی، در برابر ناراستی‌ها و کج روی‌های هیأت‌های حاکمه و اقشار مختلف اجتماع، از نوع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... واکنش نشان می‌دادند.

در واقع با توجه به روحیه سرکش و طغیانگر این نوشته، باید آن‌ها را جزئی از ادب متعهد و پایداری و در ادامه همان مقاومت ملت ایران دانست. چون انتقاد و اعتراض بدنه‌ای جداگانه، اما بسیار اساسی از مفاهیم و مصداق‌های ادبیات پایداری را تشکیل می‌دهد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اشعار اعتراضی رنگ و بوی دیگر گرفته‌اند و هدف آن‌ها نیز دگرگون شده است، در واقع شاعران انقلابی در دوران جنگ و حتی بعد از آن وظیفه خود می‌دانند تا در برابر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی زبان به اعتراض گشایند و انحرافات را به اقشار مختلف جامعه گوشزد نمایند.

بنابراین ادب اعتراض به آثار ادبی اطلاق می‌شود که کانون توجه شاعر یا نویسنده در آن به عدالت خواهی و رفع تبعیض در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد. شاعر و نویسنده‌ی معترض که معتقد است شعر و هنرش به جامعه پیرامونش متعهد و ملتزم است، ظلم و ستم نابرابری را برنتابیده، در برابر انحرافات فکری و فرهنگی، انحطاط اخلاقی جامعه و از دست رفتن اصول و ارزش‌ها فریاد بر می‌آورد، از شعرش بر علیه حاکمان ستمگر و عدالت‌گریز و وضع نا مطلوب موجود، سلاحی کوبنده می‌سازد و هدف آن بیشتر عدالت اجتماعی است، چنانکه قصد دارد با بیان مشکلات و اعتراض جامعه را به سمت اصلاح و بهبود پیش ببرد.

در واقع شاعران انقلابی همچون سلمان هراتی، سید حسن حسینی، قیصر امین پور و علیرضا قزوه در دوران قبل از انقلاب و حتی بعد از آن وظیفه خود میدانند تا در برابر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی زبان به اعتراض گشایند و انحرافات را به اقشار مختلف جامعه گوشزد نمایند. همین امر نگارندگان این پژوهش را بر آن داشته تا به بررسی و تبیین شعر اعتراض در سروده‌های شاعران مشهور بعد از انقلاب اسلامی بپردازند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند که مهمترین درونمایه‌های مشترک اعتراضی در اشعار شاعران مورد بحث کدامند و پرکاربردترین قالب‌ها و شیوه‌های بیان اعتراضی در اشعار شاعران چیست؟ ضرورت انجام این پژوهش واکاوی درونمایه‌های اشعار شاعران مورد نظر، قالب، شیوه‌های بیان انتقادی آنان و دریافت بافت اجتماعی حاکم بر جامعه از لابه‌لای اشعار اعتراضی آن‌ها است. این پژوهش قصد دارد ویژگی‌ها و مضمون‌های به کار رفته در اشعار شاعران را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهد تا راهنمایی برای پژوهشگران در زمینه ادبیات پایداری و ادب اعتراض باشد.

پیشینه تحقیق

بررسی و جستجوی نگارندگان در پایگاه‌ها و منابع اطلاعاتی نشان داد که درباره موضوع «شعر اعتراضی» کتاب‌ها و پژوهش‌هایی انجام شده است. کتابی با عنوان «دادخواست صد شعر اعتراض» (امید مهدی‌نژاد و محمد مهدی سیار، ۱۳۸۸) نگاشته شده است. در این کتاب صد نمونه شعر اعتراض از شاعران معروف انقلاب اسلامی بررسی شده است. مقالاتی نیز با عناوین: «چشم‌انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی» (علی محمد پشتدار، ۱۳۸۹)؛ «کاوشی در مضامین انتقادی شعر برخی از شاعران دهه اول انقلاب اسلامی» (سید مهدی رحیمی و دیگران، ۱۳۹۳)؛ «انتقاد در شعر شاعران زن پس از انقلاب (فاطمه راکعی و سپیده کاشانی)» (طاهره ایشانی، ۱۳۹۴)؛ «بررسی جریان اعتراض در شعر و سینمای دفاع مقدس با تکیه بر آثار «علی رضا قزوه» و «ابراهیم حاتمی کیا»» (ساجده تقی‌زاده و غلامرضا کافی، ۱۳۹۲) نگاشته شده‌اند. شایان یادآوری است در بررسی‌های انجام شده هیچ نوع تحلیلی با این رویکرد و به صورت خاص بر روی اشعار شاعران مورد بحث صورت نگرفته و این موضوع تازگی و نوآوری پژوهش حاضر را آشکار می‌کند؛ از این رو نگارندگان با نظر به اهمیت بررسی شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی به عنوان یک جریان ادبی نو پا و جدید به انجام این پژوهش مبادرت ورزیده‌اند.

روش تحقیق

این جستار به روش توصیفی - تحلیلی (کتابخانه‌ای) و آماری فراهم شده است.

مبانی تحقیق

تعریف اعتراض

اعتراض به معنای «خرده گرفتن، انگشت بر حرف نهادن، ایراد گرفتن و واخواست» به کار میرود (ر.ک: فرهنگ معین، ج ۱، ۱۳۷۹: ۳۰) ترکیب «ادب اعتراض» که تقریباً با مترادفاتی چون «ادب مقاومت»، «ادب شورش»، «ادب ستیز»، «ادب پرخاشگر» و «ادب انتقادی» در برابر «ادب سازش» در آثار ادب پژوهان و فرهنگ‌ها به تصریح از آن یاد شده است، «به آن دسته از سروده‌ها و نوشته‌ها اطلاق می‌شود که به نوعی روح انتقاد یا اعتراض یا مقاومت شاعر و نویسنده را در برابر عوامل تحمیلی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم منعکس کرده است» (پشت‌دار، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

شعر اعتراضی

شعر اعتراضی به‌عنوان بخشی از ادب اعتراضی در ادبیات فارسی به‌عنوان یک جریان ادبی از آغاز شعر فارسی مطرح بوده است. اگرچه تفاوت زیادی میان مفهوم اعتراض و موضوعات مورد بحث آن در ادبیات کلاسیک و معاصر است و مفهوم امروزی آن را در ادبیات فارسی بیش از همه در ادبیات مشروطه و پس از آن می‌توان دید؛ با این حال ادبیات انقلاب اسلامی هم از شعر اعتراض- در تعریف امروزی آن - خالی نیست و در شعر شاعران مطرحی در این دوره می‌توان شعر اعتراض را مشاهده کرد.

گستره موضوعی شعر اعتراض بسیار وسیع و با توجه به موقعیت تاریخی و اجتماعی هر دوره متغیر است. این نوع شعر از نظر قالب شعری به صورت غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، چهارپاره و... خود را نشان داده است. به هر حال هرگاه کسی نسبت به اموری اعتراض داشته باشد، آن را در گفتار، حالات و اعمال خویش نشان می‌دهد. از آنجایی که شعر اعتراضی از زیرشاخه‌های ادبیات متعهد و پایداری است به این خاطر ابتدا به بررسی ادب پایداری می‌پردازیم.

ادبیات پایداری

«ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تاثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی، اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی، فردی و... شکل می‌گیرند. بنابراین جان مایه آثار پایداری؛ مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از هم، حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (سنگری، ۱۳۸۹: ۹۱).

به‌عبارتی ساده‌تر سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین باشد، ادبیات پایداری یا مقاومت می‌گویند. بنابراین سروده و نوشته‌هایی که مبارزه ملت‌ها را در برابر عوامل استبداد داخلی و خارجی و تجاوز بیگانگان نشان دهد، در حوزه ادب پایداری جای می‌گیرد که اصلی‌ترین مسائل حوزه ادب پایداری، دعوت به مبارزه، ترسیم چهره بیدادگر، ستایش آزادی و آزادگی، نمودن افق‌های روشن پیروزی، انعکاس مظلومیت مردم، بزرگداشت ستایش مردم مبارز و شهدای راه آزادی و... است.

ادبیات متعهد

نظریه ادبیات متعهد، که در اواسط قرن بیستم در فرانسه پا گرفت، به سارتر نسبت داده شده است. وی ادبیات را چون سایر بخش‌های اجتماعی، میدانی برای مبارزه و تلاشی می‌دانست. او معتقد بود که «غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه است. تلاش و مبارزه برای نیل به آگاهی، برای تحری حقیقت و برای آزادی انسان» (سارتر، ۱۳۸۸: ۳۵). وی درباره تعهد نویسنده می‌نویسد: «نویسنده متعهد آن رویای ناممکن را از سر بیرون کرده است که نقش بی‌طرفانه و فارغانه‌ای از جامعه و از وضع بشری ترسیم کند. وظیفه نویسنده است که کاری کند تا هیچ کس نتواند از جهان بی اطلاع بماند و هیچ بماند و هیچ کس نتواند خود را از آن مبرا بداند» (همان: ۸۶-۸۴). کسانی که ادبیات متعهد را باور دارند، معتقدند که هیچ هنرمندی، نمی‌تواند چارچوب‌های فکری و پیش‌انگاری‌های ذهنی را به کناری بزند و به صورت صددرصد طبقه اجتماعی، سنت‌های فرهنگی و مذهبی خود را فراموش کند. آنان معتقدند که هر اثر هنری یقیناً از ویژگی‌های شخصیتی و ذهنی آفریننده اثر سرچشمه می‌گیرد و هنرمند هم براساس همین ویژگی‌ها، نوعی تعهد را نسبت به خود، تاریخ، جامعه، اخلاق و یا مذهبش احساس می‌کند. چرا که «هر نویسنده‌ای در واقع در اثر خود، نحوه نگرش، احساسی و تحلیل خویش درباره یک جهان را بیان می‌کند» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۲۱۷). با توجه به این دیدگاه، تعهد را می‌توان به «تعهد اخلاقی»، «تعهد اجتماعی»، «تعهد فکری و اعتقادی» و «تعهد سیاسی» تقسیم کرد. همچنین، به دلیل آن که یک هنرمند، بیش از هر چیز موظف است تا اثر خویش را به شکل هنری عرضه کند، می‌توان «تعهد ادبی» را هم در حیطه دایره تعهد هنرمند برشمرد. ادبیات متعهد را باتوجه به موارد گفته شده می‌توان ادبیاتی دانست که از آگاهی، آمال و خواست جمعی جامعه برخاسته است و بیش از هر نوع تعهد ادبی و خصوصی به تعهد اخلاقی و اجتماعی پایبند است.

بن‌مایه ادبیات متعهد، انسان و روابط درونی او با خود، جهان، محیط و انسان‌های دیگر است و این روند ارتباطی همواره در حال دگرگونی است. هم از این روی است که تعهد در ادبیات را نمی‌توان بدون توجه به دوره تاریخی و محیط انسانی و جامعه هم روزگار هنرمند تعریف کرد. چراکه هنر «در هر دوره ای تصویر نویی از انسان بوده است» (مختاری، ۱۳۷۹: ۳۱).

ادبیات اعتراض به عنوان یک ژانر کاملاً اجتماعی و سیاسی، قابل قبول‌ترین مصداق ادبیات ملتزم است چراکه چهره انسانی عامی دارد و به هنگام ترسیم اشکال مختلف تضادهای زندگی

انسان، هیچ محدودیت مکانی، زمانی، قومی و نژادی را بر نمی‌تابد. شعر و داستان اعتراض مرزهای قومی را می‌شکافد و مخاطب آن ژرفای وجدان عام بشری است. گواه اینکه از یک منظر هم شاید نتوان ادبیات اعتراض و پایداری را یک نوع خاص و مستقل مانند دیگر انواع ادبی دانست، بلکه به واسطه گستره آن که همه عرصه‌های تقابل حق و باطل را در برمی‌گیرد. در همه انواع و کلیه آثار ادبی که انسان به یک اصل غیر انسانی اعتراض دارد - حتی اگر آن اصل در نفس خود وی متجلی یافته باشد - وجهی از ادبیات اعتراض و پایداری را می‌توان دید (ر.ک: سجادی راد و ذاکری، ۱۳۹۸: ۱۱۲-۱۱۱).

انواع شعر اعتراض و درونمایه‌های آن‌ها

شعرهای اعتراض معمولاً برای اهداف خاصی بیان می‌شوند و مضامین گسترده‌ای دارند. «گاهی شاعر «شوریدن بر سکوت جهانی، گلایه از دگرگونی ارزش‌ها، دل‌تنگی از تجمل‌گرایی، خرده بر بیدردی، مذمت اهل ریا و فرصت‌طلبان، شکوه از فریبکاری و فراموشی گذشته و سرزنش شاعرانه سکوت را بیان می‌کند» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). «گاهی دیگر شاعر از دگرپرسی برخی رزمندگان، غفلت جامعه و سوءاستفاده از نام‌ها و نشان‌ها اعتراض می‌نماید» (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۹). بر اساس موارد اعتراض گونه، می‌توان به‌طور کلی اعتراض‌ها را به دو بخش تقسیم کرد: بخشی از اعتراض جهانی (برون‌کشوری) و بخشی داخلی (درون‌کشوری) هستند که متوجه بی‌توجهی‌های درون جامعه است.

بحث

با تقسیم‌بندی اعتراضات به دو نوع اعتراض‌های جهانی (برون‌مرزی یا برون‌کشوری) و اعتراض‌های داخلی (درون‌کشوری یا درون‌مرزی)، درون‌مایه اعتراضات جهانی بیشتر در زمینه‌های سیاسی و مسائل قدرت‌های جهانی است ولی درون‌مایه اعتراض‌های داخلی مربوط به اعتراض‌های درون کشور است که بیشتر در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی و فلسفی می‌باشد. در این قسمت به مهم‌ترین درونمایه‌ها و مضامین مشترک شعر اعتراض در سروده‌های شاعران موردنظر پرداخته می‌شود.

اعتراض‌های جهانی یا برون‌کشوری

اشعار تحت عنوان «اعتراض» دارای مضامین گسترده‌ای هستند. یکی از این مضامین مسائل مربوط به اوضاع منطقه‌ای و جهانی را شامل می‌شود. آنچه بیش از هر چیز در جهان خبرساز

است و توجه سایر مردم جهان را به خود معطوف می‌نماید، مسئله جنگ‌افروزی‌ها و استعمارگری‌های کشورهای مستکبری مثل آمریکا، اسرائیل، انگلیس و... است این جنگ‌افروزی‌ها در بیشتر مواقع با واکنش‌های جهانی روبرو می‌شوند و هر قشری از مردم اعم از شاعر، نویسنده و... انزجار خود را نسبت به اعمال ناجوانمردانه مستکبرین نشان می‌دهند. بنابراین اعتراض‌های جهانی عبارت‌اند از:

اعتراض به استکبار جهانی

گسترش و پیچیدگی روزافزون پدیده استعمار و استکبار از یک‌سو و لزوم افزایش آگاهی توده‌های مردم در جهت مبارزه با آن، از جمله مسائل بسیار مهمی است که اذهان شاعران را به خود مشغول کرده که این مسئله برخاسته از درک عمیق و واقع‌بینانه نسبت به واقعیت‌های جامعه جهانی است. در دوران معاصر با توجه به بیداری جوامع بشری و گسترده شدن وسایل ارتباطی، دیگر کمتر کسی است که از اوضاع و تحولات سیاسی جهان بی‌خبر باشد و درد و رنج ناشی از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها روا داشته شده بر مردم جهان را احساس نکند، به همین دلیل، بسیاری از شاعران ایران در اعتراض به ظلم‌های مستکبران و استعمارگران جهانی شعر سروده‌اند. سلمان در اعتراض آشکاربا هوشیاری و تیزبینی به پیوند نامبارک سرمایه داری و سازمان‌های بین‌المللی هم‌راستایی اهداف این پیوند با سیاست‌های کشورهای غربی اشاره می‌کند؛ که دنیا را برای رسیدن به خواسته‌های خود به چالش کشیده‌اند:

«دنیا در بستر نیرنگ / آرمیده است / «اریستوکراسی» / با جلیقه مخمل / بر پله‌های سازمان ملل / بار انداخته است / و به دنیا برگ زیتون تعارف می‌کند / و علی‌رغم طوفان‌های غیر موسمی / و زلزله محتومی که در پیش داریم / ضیافت شامی / با حضور «تراست‌ها و کارتل‌ها» / به وسیله «سیا» / ترتیب داده می‌شود / و به جای نان / بر سفره‌هاشان / نقشه دنیا می‌گذارند» (هراتی، ۱۳۶۸: ۹۰-۸۹).

این نوع اعتراض‌های هم‌مربوط به کشورهایی مثل لبنان، عراق، افغانستان و... است و هم وضعیت بردگان و کارگران را در سایر کشورها اعم از فرانسه، روسیه و آمریکا زیر نظر دارد. سلمان هراتی نیز در اعتراض به وضع بردگان در کشورهای اروپایی می‌گوید:

«سوسیالیست‌های فرانسه / وضع بهتری ندارند / سوسیالیست‌های فرانسه / با لالایی سیا به خواب می‌روند / من دیدم در خیابان شانزه لیزه / زیر پای دموکراسی / پوست موز می‌گذارند / فکر می‌کنید

مهد آزادی کجاست؟» (همان: ۹۳).

در این میان علیرضا قزوه، با توجه به حساسیتش نسبت به مسائل سیاسی، نسبت به اتفاقاتی که در کشورهای بیگانه قرار گرفته‌اند، می‌افتد؛ خصوصا فلسطین، واکنش نشان می‌دهد و نسبت به اتفاقات پیش آمده اعتراض می‌کند. این اتفاقات شامل ریزترین مسائل اعم از جنگ سی‌وسه روزه حزب‌الله، جنگ یازده روزه غزه، پیمان‌های صلح اعراب و اسرائیل و ... می‌شود. علاوه بر آن او نسبت به حوادثی که در دیگر کشورهای مسلمان می‌افتد، اعم از جنگ بالکان، عراق و افغانستان، تغییرات سیاسی یک سال اخیر در کشورهای عربی و تلاش آمریکا برای دخالت در کشورهای منطقه، واکنش نشان می‌دهد و لب به اعتراض می‌گشاید:

«آن‌ها نقشه کشیده‌اند برای تمام جهان/ آن‌ها برای فردای ما نیز نقشه کشیده‌اند/ با نقشه دجال‌های دیجیتالی/ شیوخ آل سعود/ و حد حرم را/ با کمک اسرائیل و دوربین‌های پیشرفته انگلیسی مشخص کنند / آن‌ها به درد هیچ چیز دیگری نمی‌خورند/ آن‌ها به درد چاله کردن می‌خورند/ بر سر راه مسلمانان/ و تقسیم کردن مسلمانان با کمک آیات وحدت/ می‌بینی که حال جهان هیچ خوب نیست» (قزوه، ۱۳۶۹: ۳۰۰).

اعتراض به فراموش شدن مسئله فلسطین

حمایت از ملت‌های آزادی‌خواه و مظلوم و ستایش مقاومت‌های آنان چون بوسنی، لبنان، صرب‌ها، مجاهدین مصر به‌ویژه فلسطین که بخش ویژه‌ای از اشعار شاعران پس از انقلاب را تشکیل می‌دهد. فلسطین و رژیم متجاوز اسرائیل از چندین سال قبل از انقلاب از بزرگ‌ترین مشکل‌های جهان اسلام بوده و به دلیل داشتن ایدئولوژی خاص اسلامی با انقلاب اسلامی گره خورده است. به همین منظور شاعران در اشعارشان به نحوی اعتقادی به حقانیت فلسطین و انعکاس مظلومیت آنان را به ستایش سرزمین‌ها، قهرمانان و مقاومتشان به اثبات می‌رسانند. اشعاری که درباره سرزمین قدس اشغالی سروده شده‌اند ضمن آنکه بیدارگر و مبارز طلب است و از تجاوز نفرت دارد. اعتراض به فراموش شدن مردم فلسطین و مظلومیت آن‌ها در طول این شصت سال بدبختی و آوارگی در شعر و آثار بسیاری از شاعران و هنرمندان متعهد نمود فراوانی دارد. سلمان می‌گوید:

«کفتر بازان سیاست پیشه / ... سعی دارند/ دنیا باور کند/ زخم ایران با پماد زیتون التیام می‌یابد/ و فلسطین مستاصل باید/ به آوارگی قناعت کند» (هراتی، ۱۳۸۰: ۸۹).

شعر مقاومت فلسطین نمایش پایداری و سرزندگی فلسطین و فلسطینیان است تا روزی که قدس عزیز از چنگال صهیونیست غاصب رهایی یابد به امید آن روز، و قیصر از این‌که این سرزمین توسط این کرکسان به اشغال درآمده، نگران است و از خدا می‌خواهد زودتر این سرزمین آزاد شود:

«تا که آن خانه را ز کرکس بگیریم / آشیان را از کرکس بگیریم / مثل رگبار باران بباریم / خانه را سربه‌سر گل بکاریم» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۴۹۹).

قزوه از دوستی سران فلسطینی با اسرائیل به ستوه می‌آید و در انتقادی آشکار از حکام عرب و یاسر عرفات می‌گوید:

«اردوگاه‌های فلسطینی را نگاه کن / ابوالفضل با مشک تشنه برمی‌گردد / صدای گریه رقیه را می‌شنوی / گورباچف و ریگان هم کاندید صلح نوبل شده‌اند / قرآن فهد زیباتر از قرآن قابوس چاپ می‌شود / عرفات شلوار اسریلی می‌پوشد / راستی یاد شهیدان بیت‌المقدس بخیر!» (قزوه، ۱۳۹۱: ۶۳).

قزوه علیه دوستی سران فلسطینی از جمله یاسر عرفات که خواهان دوستی با اسرائیل هستند اعتراض می‌کند و می‌تواند نارضایتی شاعر ناشی از منعقد شدن صلح موسوم به «اسلو» باشد که میان فلسطین و اسرائیل منعقد شده است. این اعتراض به ظلم‌های جهانی به تعداد مردم مظلوم جهان است. بنابراین در اینجا تنها گوشه‌ای از هزاران اشاره شد. در ادامه به بررسی درون مایه‌های اشعار معترض در سطح داخلی (درون کشوری) پرداخته می‌شود.

اعتراض‌های داخلی (درون کشوری)

این نوع اعتراض‌ها پهنه گسترده‌ای دارند و به اعمال، رفتار، طرز تفکر و تصمیم‌گیری مردم و مسئولان مربوط می‌شود که این نوع اعتراض شامل درون مایه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اخلاقی می‌باشند. در ادامه به بررسی جداگانه هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

اعتراض به سکوت شاعران و دیگر هنرمندان

«هنر، به قول نیچه ناشی از عدم تحمل هنرمند نسبت به وضعیت موجود است. این وضعیت موجود می‌تواند هستی باشد، می‌تواند جامعه باشد، می‌تواند زندگی خصوصی هنرمند باشد؛ بنابراین، هنر از جمله شعر، امری اعتراضی است» (شمس لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۸). بنابراین گفته، وظیفه شعر و هنر یک نوع اعتراض به جهان و به وضع موجود است و هنرمندان هیچ گونه

ناموزونی و نابرابری را برنمی‌تابند و همواره خواهان بهترین وضعیت هستند و در جهت خلق اینوضیعت آرمانی در هر رشته‌ای که هستند تلاش می‌نمایند؛ اما یکی دیگر از پرکاربردترین مضامین اعتراضی در شعر بعد از انقلاب و به خصوص دو دهه اخیر، اعتراض به سکوت کردن جامعه بشری، شاعران و دیگر اقشار جامعه در برابر بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها است. در واقع باید گفت که این نوع، اساسی‌ترین نوع اعتراض است، چون باعث بیداری، تحریض و ترغیب جامعه برای قیام علیه نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... می‌شود. سید حسن حسینی می‌گوید:

«امشب سکوت را/ باید طلاق داد/ و نشاندباید/ انگشتر طلاپی فریاد/ در انگشت جاری باد/ مبارک باد!» (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۳).

«وقتی تابوت عاطفه بر زمین مانده بود/ جمعی به جیغ بنفش می‌اندیشیدند/ و برای کشف زوزه ی صورتی/ هفت مرتبه الیوت و اکتاویوپاز را ورق می‌زدند» (قزوه، ۱۳۶۹: ۹۹).

اما در مقابل اینگونه شاعران نامتعهد، شاعران دیگری نیز هستند که اعتراض و فریاد در برابر ظلم را سرلوحه شعر خود قرار دادند و می‌گویند: «مرا نشناخته‌اند/ که گفتند: لب فرو بند/ و به سری که درد نمی‌کند/ دستمال میند/ من اما سرم درد می‌کرد/ گفتم: دیروز چاره ساز این سر پر درد/ یک پیشانی بند سبز بود/ و امروز/ جز با زبان سرخ نشاید که چاره کرد/ گو هر چه باد، باد» (همان: ۱۱۸).

شاعران انقلاب عموماً هرچه می‌سرایند، از سر تعهد است لذا با اشعاری که روحیه انقلابی را در مردم افزایش ندهد و تنها برای دل خود باشد، مخالف‌اند. سلمان هراتی، شعر خود را در مقابل اینان قرار می‌دهد و می‌گوید:

«شعر من/ عربده جانوری نیست/ که از کثرت استعمال «ماری‌جوانا»/ دهان باز کرده باشد/ بلکه زمزمه‌ای است که مظلومیت تو مرا آمیخته/ و من آری من/ برای «بلقیس» / قصیده نمی‌گویم» (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۷).

شاعری هدفی مقدس است و می‌توان یکی از اهداف شعر را انعکاس درد درونی جامعه دانست که در نظر قیصر امین‌پور این هدف والا نباید با اهداف غیر مقدس چون صرف درآمدزایی و سودگرایی آلوده شود:

«روزی که شاعران/ ناچار نیستند/ در حنجره‌های تنگ قوافی/ لبخند خویش را بفروشند» (امین‌پور،

۱۳۸۸: ۲۳۵).

وی معتقد است قیمت گذاشتن بر روی احساس از ارزش واقعی شعر می‌کاهد، زیرا احساس پاک و ارزشمند شاعری قیمتی ندارد و وقتی می‌بیند که شاعران امروزی این احساس را در راه چیزهای کم‌ارزشی به حراج می‌گذارند، دست به انتقاد می‌زند و این مسئله را این طور بیان می‌کند:

«روزی که روی قیمت احساس / مثل لباس / صحبت نمی‌کنند ... / پروانه‌های خشک‌شده، آن روز / از لای برگ‌های کتاب شعر / پرواز می‌کنند» (همان).

اعتراض به فقر و تضاد طبقاتی

شاعران متعهد بعد از انقلاب، نسبت به فقر، تهی دستی و تبعیض که از فاصله طبقاتی حاکم بر جامعه نشأت می‌گیرد، به شدت واکنش نشان می‌دهند؛ به ویژه آن که خود اغلب متعلق به این قشر جامعه بودند و یا از نزدیک، با زندگی کسانی از این طبقه آشنا بودند. و مهم تر این که این بخش از جامعه در پیروزی انقلاب اسلامی، پیش برد آرمان‌ها و اهداف انقلاب و شرکت در جنگ، بیش از هر گروه دیگری، فداکاری کردند و انتظار این بود که وضع معیشت آنان اصلاح شود. سلمان هراتی نیز به عنوان شاعری متعهد و آرمان‌گرا که متعلق به همین گروه بود و شرایط سخت معیشتی آنان را درک می‌کرد، به فاصله طبقاتی و فقر این گروه از جامعه به شدت اعتراض می‌کند:

«مادرم می‌گوید / چرا حق هنوز با ناصر خان است؟ / چرا سهم عبدالله جریب جریب زحمت است و حسرت / و سهم ناصر خان هکتار هکتار محصول است و استراحت؟ / مگر عبدالله زیر بوته عمل آمده است / که صاحب هیچ زمینی نیست؟ / پس چرا عبدالله فقط کاشتن را بلد است / و ارباب برداشتن را؟ / ما در مقابل آمریکا ایستادیم / اما چرا هنوز کیومرث خان خرش می‌رود» (هراتی، ۱۳۸۰: ۲۳۱).

در اینجا حسینی از طریق به کار بردن ایهام در کلمات پایانی شعر، حرف دل مردمان درد کشیده‌ای را بیان می‌کند که حتی از مایحتاج اولیه زندگی خود نیز محروم مانده‌اند:

«پدر آمد از راه / دست‌هایش خالی / کودکان چشم به دستان پدر... / سفره خالی / را پدر از پنجره بیرون انداخت / سفره قلبش را بار دیگر گسترد / بچه‌ها آن شب هم - / مثل دیگر شب‌ها - / یک شکم سیر محبت خوردند!» (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۸).

قیصر در شعر «فصل تقسیم» شاعر عدالت و جامعه‌ای آرمانی را که در حسرت آن است و با ظهور منجی تحقق پیدا خواهد کرد، توصیف می‌کند و در آن، گل و گندم و لبخند، نشانه‌هایی از برآورده شدن نیازهای مادی، عاطفی و روحی انسان‌ها تواند بود:

«وقت آن شد که به گل، حکم شکفتن بدهی / ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی‌ها / فصل تقسیم گل و گندم و لبخند رسید / فصل تقسیم غزل‌ها و غزلخوانی‌ها» (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۵۵).

در واقع قزوه نه تنها تضاد طبقاتی بلکه تضاد فکری این دو قشر جامعه را نشان می‌دهد، یکی در فکر تأمین نیازهای اولیه زندگی و دیگری در فکر تجمّلات و تشریفات زندگی:

«یکروز یک کراواتی سرمایه‌دار / با بنز قهوه‌ای‌اش از جلوی پایم ویراژ داد / و به عبای وصله دارم وصله‌های عوضی چسبانند / دیشب جلوی میهمانم / تخم مرغ آب پز گذاشتم / دیشب مادرم با چای و کشمش سر کرد / او قلبش برای انقلاب می‌تپد / اما وسعش نمی‌رسد یک نوار قلب بگیرد / و من می‌دانم که نوار قلب هم همه منحنی‌های دردش را نشان نمی‌دهد / مادرم دفترچه خدمات درمانی ندارد / و همیشه ابوالفضل به دادش می‌رسد» (قزوه، ۱۳۶۹: ۱۱۴-۱۱۳).

اعتراض به افراد سود جو و منفعت‌طلب

در لحظه‌ها و روزهای مبارزه و پایداری و شهادت، سودجویان و منفعت‌طلبان حادثه‌گریز به مدد توجیه و بهانه از صحنه و میدان کناره می‌گیرند و به «خود» دنیای خودی می‌پردازند. در ادبیات پایداری ملت‌ها، لبه تیز حمله، گاه متوجه این گونه افراد است که از همه چیز به نفع خود استفاده می‌کنند و حتی از جنگ یا جبهه، وسیله‌ای برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کند. از جمله این افراد، برخی از تاجران و بازاریان هستند که این گونه مورد طعن و اعتراض قرار می‌گیرند:

تاجری مجلس تفسیر گذاشت ابتدا فاتحه بر قرآن خواند

(حسینی، ۱۳۸۷ الف: ۵)

در این عبارت به وسیله بازی با کلمات، با طنزی زیبا و فاخر شاعر توانسته است ویژگی برخی از تاجران بی انصاف را به تصویر کشد؛ یعنی شاعر به جای حرف «از» حرف «بر» را به کار برده و بدین وسیله معنای موردنظر را ابداع نموده است. در جای دیگر همین شاعر با کنایه می‌گوید:

«شاعری را یک روز / زیر بازارچه / شلاق زدند / ژنده پوشی سبب واقعه را جویا شد / کافه اهل

تجارت گفتند/ لفظ «بازار» گرامی بادا! / و قلم‌های موسوس نابود! / «مردم‌آزار» کجا/ قافیه با «بازار» است» (همان: ۱۷).

«سلام بر همه الا به قلب مغلوبان/ سلام بر همه الا به انقلاب فروش/ شما که خون دل خلق را پیاله شدید! / شرور شهر شما یید یا شراب فروش؟!» (قزوه، ۱۳۹۱ الف: ۷۸). در واقع قزوه معتقد است که گناه فرد شراب فروش شخصی است ولی گناه تاجران و... حق الناس است. سلمان هراتی با شدیدترین لحن ممکن یا به عبارتی با لحنی تند و گزنده بر این سودجویان می‌تازد و به آنان اعتراض می‌کند:

«دلت مثل پستو تاریک است/ می‌دانم/ و واحدهای درس «نداریم» را تمام کرده‌ای/ قلب تو ای پستو نشین حقیر/ قلب تو مثل سکه‌های زمان طاغوت است/ یک روی آن به عکس شاه مزین است و روی دیگر آن عکس یک شغال/ تو تلفیقی از شاه و شغالی/ تو همه جا هستی/ اما چون لوازم یدکی نایابی/ و مثل زباله میل انبار شدن با توست/ اندیشه‌ات/ مثل بازارهای سرپوشیده نمود است و بینش تو در حدود ویتترین است» (هراتی، ۱۳۸۰: ۱۰۰-۹۶).

اعتراض به بی‌عدالتی‌های اجتماعی

«عدالت در لغت به معنای برابری و توازن است و در مفهوم اجتماعی، هرگاه حق هر صاحب حقی به او داده شود، می‌گویند عدالت رعایت شده است» (مولانا، ۱۳۸۰: ۲). عدالت اجتماعی یکی از ارکان توازن در جامعه است که در بعضی از جوامع بر اثر عدم یا کاستی در همین مقوله، آسیب‌های بسیاری بر جامعه وارد می‌آید. یکی از موضوعاتی که در جامعه‌ی امروزی شیوع بسیاری پیدا کرده و امین‌پور انتقاد خود از بی‌عدالتی‌های اجتماعی را از این دریچه بیان داشته، رابطه و پارتی است. یکی از ناهنجاری بیدادگرانه‌ی اجتماعی در حوزه‌های مختلف اداری و سازمانی که قیصر امین‌پور به ویژه بعد از دفاع مقدس با آن روبه‌رو شده، حاکمیت رابطه به جای ضابطه و پارتی‌بازی به جای عدالت‌محوری است. این موضوع از آنجایی برای شاعر دردناک‌تر و آزاردهنده‌تر می‌گردد که با آرمان‌های انقلابی و آموزه‌های دینی شدیداً در ستیز است:

«دیوار را/ باید دوباره سیم‌کشی کرد/ باید فضای طاقچه پشت پرده را/ پر کرد» (امین‌پور، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

«باید دم تمامی درها را دید/ باید هوای پنجره را داشت» (همان: ۲۸۳).

یکی از مصادیق اجرای عدالت در جامعه ایجاد فرصت‌های یکسان و برابر برای افراد جامعه است. وقتی جامعه‌ای دچار آفتی مانند پارتی می‌شود، به خصوص در دستگاه‌های اداری امروز که کمابیش دچار چنین معضلی هستند، اگر افراد بخواهند تابع قانون باشند، فضا برای آن‌ها دشوار می‌گردد:

«صف / انتظار / صف / امضا / شماره / امضا / فردا دوباره / صف / انتظار / امضا / شماره / ای کاش باد... / ای کاش باد این همه کاغذ را / می‌بردا» (همان: ۱۶۹).

قزوه با طنزی زیبا در اعتراض به مشکل ارتشا و پارتی بازی‌هایی که در دستگاه قضا اتفاق می‌افتد، انتقاد می‌کند و می‌گوید:

«قاضی‌ای در یک روز / از دو طرف / سه بار سفارش شد / من کلاهم را قاضی کردم / جهنمی شدنم» (قزوه، ۱۳۶۹: ۷۲).

اعتراض به رذایل اخلاقی همچون دروغ، نیرنگ، حرص، ریا و تملق

شاعران انقلاب براساس آموزه‌های دینی، امر به معروف و نهی از منکر را بر خود واجب می‌دانند. گسترش رذایل اخلاقی سبب فساد جامعه می‌شود؛ مسایلی مانند دروغ، نیرنگ، حرص، ریا، تملق و... شاعران انقلاب، با انتقاد از این مسائل، سعی در اصلاح جامعه دارند، قدرتمندان و زورمندان دنیا، برای رسیدن به اهداف شوم‌شان، از نیرنگ و دروغ بهره می‌برند. سلمان هراتی، در اعتراضی آشکار از نیرنگ و دروغی که دنیا را فراگرفته است، انتقاد می‌کند. او معتقد است زورمندان و زرمدران دنیا همه اسباب و وسایل را جهت فریب مردم و افکار عمومی، به خدمت گرفته‌اند تا بتوانند بر دنیا حکومت کنند:

«ماهواره‌های دروغ‌پرداز / در سیاست دخالت می‌کنند / ... / امنیت را در خاورمیانه اعلام می‌کنید / دنیا در بستر نیرنگ آرمیده است / با جلیقه مخمل / بر پله‌های / سازمان ملل بار انداخته است / و به دنیا، برگ زیتون تعارف می‌کند» (هراتی، ۱۳۸۰: ۸۹ - ۹۴).

یکی دیگر از رذایل اخلاقی که مایه حقارت و کوچکی انسان می‌باشد، حرص است. سلمان هراتی، در شعر «تدفین مادر بزرگ» حرص و ولع آدمی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او در این شعر از مادر بزرگی می‌گوید که در آستانه مرگ است. آنگاه مرگ و تدفین او را به تصویر می‌کشد؛ سپس اطرافیان او را نشان می‌دهد که با فراموشی مرگ مادر بزرگ اندکی پس از تشییع پیکر وی، در پی تقسیم ارث او هستند:

«او را چنان که گفت/ با یک کفن به خاک سپردیم/ اما وقتی که آمدیم به خانه/ حرص و ولع/ روی شعور برگ درخت آرمیده بود/ و حس ظالمانه تقسیم/ جان می گرفت/ در لحظه‌های آخر اندوه/ اشیاء هرکدام یک برگ از وصیت او شد/ کم‌کم مادر بزرگ/ و مرگ فراموش می‌شوند» (همان: ۲۷۱).

امین‌پور بارها از نفاق و بی‌صدقاتی برخی از دوستان خود شکایت کردند. کسانی که سکه‌های دو روئی‌اند، آرمان‌ها و شعارهای اخلاقی و انسانی اوایل انقلاب را فراموش کرده‌اند، دنیا پرست و زیاده خواه شدند، بیش از آنچه هستند می‌نمایند، از پشت خنجر می‌زنند و دوستانی که «که بخاطر خطای چاپی، «دوستاق» شدند» (همان: ۱۵۸).

ما را به حال خود بگذارید و بگذرید
از خیل رفتگان بشمارید و بگذرید
پنهان در آستین شما برق خنجر است
دستی در آستین به در آرید و بگذرید
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ۳۱۷)

در نظر امین‌پور، برگزیدن کفر او را از نیازمندی ریا، بی‌نیاز ساخته است و او به تمسخر گرفتن ریاکاران آن را بدین صورت بیان می‌کند:

ز دیدن ریا بی نیازم
به کفری که از مذهب می‌تراود
(همان: ۱۰۴)

سید حسن حسینی، شخصیتی بسیار روراست، صریح‌اللهجه و تیزبین بود؛ و همین مسئله حساسیت او را نسبت ریا و تزویر بیشتر می‌کرد. وی این موضوع را در هر موردی ناپسند می‌شمارد و بیش از همه به تزویرگران دینی می‌نازد، که از مذهب برای خود پشتوانه‌ای سیاسی و اجتماعی ساخته‌اند:

درد دینداری دکانی بیش نیست
در تن حق نیمه جانی بیش نیست
(حسینی، ۱۳۸۸ ج: ۴۸)

شادم که به سجاده رنگ آمیزی
پیشانی من به مهر تزویر نخورد
(همان: ۱۶۶)

بررسی و مقایسه اشعار اعتراضی شاعران مورد بحث

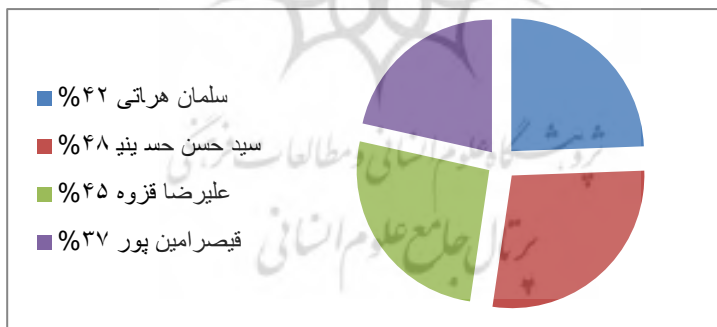
در جدول زیر بسامد بازتاب درون‌مایه‌های شعر اعتراض در سروده‌های شاعران مورد نظر به تفکیک نشان داده شده است که انعکاس این درون‌مایه‌ها به ترتیب در مجموعه اشعار سید

حسن حسینی (همصدا با حلق اسماعیل، گنجشک و جبرئیل، نوش داروی طرح ژنریک، سفرنامه گرد باد، از شرابه‌های روسری مادرم و در ملکوت سکوت) ۴۸٪ (از ۵۵۱ قطعه شعر وی، ۲۶۷ قطعه شعر اعتراض)، علیرضا قزوه (از نخلستان تا خیابان، شبلی و آتش، عشق (ع) و سوره انگور) ۴۵٪ (از ۱۷۴ قطعه شعر او، ۷۸ قطعه شعر اعتراض)، سلمان هراتی (مجموعه کامل اشعار هراتی) ۴۲٪ (از ۱۳۳ قطعه شعر او، ۵۶ قطعه شعر اعتراض) و قیصر امین‌پور (مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور و در کوچه آفتاب) ۳۷٪ (از ۴۵۰ قطعه شعر او، ۱۶۸ قطعه شعر اعتراض) می‌باشد که بنابراین بیشترین بسامد انعکاس درون‌مایه‌های شعر اعتراض در سروده‌های حسینی و کمترین نمود آن در اشعار امین‌پور است.

جدول ۱. بسامد اشعار اعتراضی شاعران

نام شاعر	تعداد اشعار	تعداد اشعار اعتراض	فراوانی به درصد
سلمان هراتی	۱۳۳ قطعه	۵۶ قطعه	۴۲٪
سید حسن حسینی	۵۵۱ قطعه	۲۶۷ قطعه	۴۸٪
قیصر امین‌پور	۴۵۰ قطعه	۱۶۸ قطعه	۳۷٪
علیرضا قزوه	۲۴۲ قطعه	۱۳۰ قطعه	۴۵٪

نمودار دایره‌ای بسامد اشعار اعتراضی شاعران



در جدول زیر بسامد درون‌مایه‌های شعر اعتراض به ترتیب در قالب‌های شعر نو (سپید و نیمایی) (۲۳۵ قطعه)، غزل (۱۳۸ قطعه)، هایکو (۹۹ قطعه)، رباعی (۴۹ قطعه)، دوبیتی (۲۰ قطعه)، چهار پاره (۴ قطعه) و مثنوی (۳ قطعه) سروده شده‌است. بنابراین قالب شعر نو (نیمایی و سپید) بیشترین کاربرد در بیان درون‌مایه‌های اعتراضی را در سروده‌های شاعران شعر انقلاب داشته است و کمترین آن مربوط به قالب مثنوی است.

جدول ۲. بسامد قالب‌های اعتراضی شاعران

تعداد شعر اعتراض	قالب‌های شعری
۲۳۵ قطعه	شعر نو (سپید و نیمایی)
۱۳۸ قطعه	غزل
۹۹ قطعه	هایکو
۴۹ قطعه	رباعی
۲۰ قطعه	دو بیتی
۴ قطعه	چهار پاره
۳ قطعه	مثنوی

چنانکه پیش از این بیان شد، یکی از اهداف این پژوهش تبیین شیوه‌های بیان اعتراضی این شاعران مورد بحث است که این مسأله در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. با توجه به شواهد مثال ذکر شده، گفتنی است که شعر اعتراض انقلاب، به ویژه در دهه اول انقلاب، شعری صریح و آشکار است. شاعران این حوزه در فضای شعر می‌سرودند که مورد قبول نظام و مردم بود و از این نظر نیازی به کنایه پوشیده سخن گفتن نبود. از سوی دیگر، بیشتر شاعران این حوزه شعر را با انقلاب شروع کردند و شعرهای اعتراضی آنان در اوایل انقلاب به دلیل عدم تسلط بر قوانین شعری، عدم تمرین و ممارست، فضای پرهیجان و داشتن مخاطب عام به شعارزدگی نزدیک شده است. سلمان هراتی، سید حسن حسینی و علیرضا قزوه به تبعیت از شاعران این دوره شعرهای اعتراضی خود را عموماً آشکارا و صریح و با لحن تند و گزنده و با طنزی فاخر و روحیه‌ای حماسی لب به اعتراض می‌گشاید ولی قیصر امین پور به صورت غیر صریح و با لحنی آرام و ملایم تر فریاد اعتراض را سر می‌دهد. این امر ممکن است ناشی از شرایط جامعه و تفاوت روحیات آنان باشد اما وجه مشترک رویکرد اعتراض آنها در بازگشت به آرمان‌ها و اصول اولیه انقلاب و تثبیت و ترویج آنها است. در واقع شاعران از این طریق به حمایت از انقلاب و آرمان‌هایشان می‌پردازند. شاعران مورد بحث شیوه‌های بیانی همچون اعتراض آشکار (صریح و بی‌پرده)، طنز تلخ، هجو، اعتراض همراه با مدح و ستایش، مرثیه، نوستالوژی و مرور خاطرات، شکایت، حسرت و یادکرد گذشته، پرسش‌گری، تردید و رمزگونه

و نمادین را برای بیان درون‌مایه‌ها اعتراضی خود برگزیدند که شیوه‌های اعتراض آشکار و رمزگونه و نمادین بیشترین سهم را در بیان شعری، شعر اعتراض انقلاب دارد.

جدول ۳. شیوه‌های بیان اعتراض شاعران

علیرضا قزوه	قیصر امین پور	سید حسن حسینی	سلمان هراتی
اعتراض آشکار، طنز، مرثیه، حسرت، شکایت	اعتراض آشکار، طنز، شکایت، مرثیه، حسرت، نوستالوژی و مرور خاطرات، اعتراض همراه با مدح، پرسشگری و تردید	اعتراض آشکار، طنز و هجو، اعتراض همراه با مدح، مرثیه، حسرت، شکایت	اعتراض آشکار، اعتراض همراه با مدح، مرثیه، نوستالوژی و مرور خاطرات، طنز تلخ، و رمزگونه و نمادین
با لحنی تند	با لحنی ملایم و آرام	با لحنی تند و گزنده	با لحنی تند و گزنده

نتیجه‌گیری

در دوره انقلاب اسلامی، شاعران متعهد و ملتزم، برای دفاع از ارزش‌های انقلاب و ترویج افکار انقلابی، به بیان واقعیت‌ها و انتقاد از مشکلات و بیان مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی و ... دوران خود پرداخته‌اند. شعر اعتراض یکی از زیرمجموعه‌های ادب متعهد و پایداری، نوعی شعر اجتماعی است که در آن نادرستی‌های رفتاری مردم و مسئولان را گوشزد می‌کند و هدف از این نوع شعر در دوره انقلاب، حفظ ارزش‌های اسلامی، اصلاح نمودن جامعه و مبارزه با انواع بی‌عدالتی‌ها است.

به طور کلی می‌توان درون‌مایه‌های شعر اعتراض را در دوره انقلاب اسلامی به دو نوع اعتراض‌های جهانی و داخلی تقسیم کرد. مهم‌ترین درون‌مایه‌های مشترک شعر اعتراض که بیشترین انعکاس را در سروده‌های شاعران مشهور بعد از انقلاب اسلامی داشته است در مورد اعتراض‌های نوع اول (جهانی) بیشتر حول اعتراض به سیاست‌های قدرت‌های جهانی می‌چرخد که شامل اعتراض به فراموش شدن مسئله فلسطین (قدس) و اعتراض به استکبار جهانی است. اما اعتراض‌های داخلی که بیشتر در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی

و مذهبی است، که عبارت‌اند از: اعتراض به سکوت شاعران و دیگر هنرمندان، اعتراض به فقر و تضاد طبقاتی، اعتراض به افراد سودجو و منفعت طلب، اعتراض به بی‌عدالتی‌های اجتماعی، و اعتراض به رذایل اخلاقی همچون دروغ و نیرنگ، حرص، ریا، تملق و ... است که این درون‌مایه‌ها بیشترین بازتاب را در سروده‌های حسینی داشته است. بنابراین درون‌مایه‌های شعر اعتراض به ترتیب در قالب‌های سپید، نیمایی، غزل، هایکو، رباعی، دوبیتی، چهارپاره و مثنوی سروده شده‌است که قالب‌های سپید و نیمایی بیشترین کاربرد را در بیان درون‌مایه‌های اعتراضی دارند.

شاعران مورد بحث شیوه‌های بیانی همچون اعتراض آشکار(صریح)، طنز تلخ، هجو، اعتراض همراه با مدح و ستایش، مرثیه، نوستالوژی و مرور خاطرات، شکایت، حسرت و یادکرد گذشته، پرسش‌گری، تردید و رمزگونه و نمادین را برای بیان درون‌مایه‌ها اعتراضی خود برگزیدند که شیوه اعتراض صریح و بی‌پرده بیشترین سهم را در بیان شعری، شعر اعتراض انقلاب دارد. و به طوری که اشعار انتقادی هراتی، حسینی و قزوه صریح‌تر و با لحنی تند و گزنده‌تر از اشعار اعتراضی امین‌پور بیان شده است که به صورت غیر صریح و با لحنی آرام و ملایم‌تر است. این امر ممکن است ناشی از شرایط جامعه و تفاوت روحیات آنان باشد اما وجه مشترک رویکرد اعتراض آنها در بازگشت به آرمان‌ها و اصول اولیه انقلاب و تثبیت و ترویج آنها است. در واقع شاعران از این طریق به حمایت از انقلاب و آرمان‌هایشان می‌پردازند.

در واقع این شاعران از شعر به منزله سلاحی برای انعکاس برخی مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی بهره برده‌اند؛ به طوری که شعرشان بیشتر مبتنی بر عواطف اجتماعی است تا عواطف شخصی. همچنین نمونه‌های استخراج شده، ضمن بیان وجوه شباهت اشعار اعتراضی، حاکی از تفاوت‌هایی است که بر فراخور شرایط محیطی شان ایجاد شده است. برای مثال سلمان هراتی و قیصر امین‌پور از عصر پهلوی و شرایط آن زمان انتقاد می‌کنند ولی سید حسن حسینی و علی‌رضا قزوه شرایط جامعه پس از جنگ را به تصویر می‌کشند که در آن برخی افراد با نفاق و ریاکاری، سودجویانه از دین بهره می‌برند. بنابراین اینان، در مقام شاعری متعهد، در برابر معضلات جامعه حساسیت نشان داده‌اند و در بیداری مردم و آگاه کردنشان درباره جامعه و مشکلات موجود در آن می‌کوشند. این مسأله هم نشانگر حضور موثر و فعال شاعران معترض در عرصه سیاسی و ادبی است و هم تأییدی است بر نظریه جامعه‌شناختی ادبیات که هنر را

همواره از بسترهای اجتماعی و سیاسی متأثر می‌داند.

منابع

کتاب‌ها

- امین‌پور، قیصر (۱۳۸۸) *مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور*، تهران: مروارید.
- پورممتاز، علیرضا (۱۳۷۲) *فرهنگ چاپ و نشر*، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۸ الف) *از شراب‌های روسری مادرم*، تهران: انجمن شاعران ایران.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۸ ب) *در ملکوت سکوت*، تهران: انجمن شاعران ایران.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۸ ج) *سفرنامه گردباد*، تهران: انجمن شاعران ایران.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۸ د) *هم‌صدا با حلق اسماعیل*، تهران: سوره مهر.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۱) *گنجشک و جبرئیل*، تهران: نشر افق.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۷ الف) *نوش داروی طرح ژنریک*، تهران: سوره مهر.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۷ ب) *گزیده شعر جنگ*، تهران: سوره مهر.
- سارتر، ژان پل (۱۳۸۸) *ادبیات چیست؟*، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: نیلوفر.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹) *ادبیات دفاع مقدس*، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- قزوه، علیرضا (۱۳۶۹) *از نخلستان تا خیابان*، تهران: سوره مهر.
- قزوه، علیرضا (۱۳۷۳) *شبلی و آتش*، تهران: موسسه محراب اندیشه.
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۷) *سوره انگور*، تهران: نشر توسعه کتاب ایران.
- قزوه، علیرضا (۱۳۹۰) *عشق علیه السلام*، تهران: سوره مهر.
- قزوه، علیرضا (۱۳۹۳) *پژوهش‌نامه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، ۲ جلد، (نقد و بررسی قالب‌ها و گونه‌های مختلف با نقد دکتر صادق آئینه‌وند)، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- کاظمی، محمدکاظم (۱۳۹۰) *۱۰ شاعر انقلاب*، تهران: سوره مهر.
- کافی، غلامرضا؛ آئینه‌وند، صادق (۱۳۸۹) *پژوهش‌نامه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (نقد و بررسی قالب‌ها و گونه‌های مختلف)*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

گلدمن، لویس (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه محمد پوینده، تهران: نشر هوش و ابتکار.

معین، محمد (۱۳۷۹) *فرهنگ فارسی*، جلد اول، تهران: امیر کبیر.
مولانا، حمید (۱۳۸۰) *ابعاد عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هراتی، سلمان (۱۳۸۰) *مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی*، تهران: دفتر شعر جوان.

مقالات

ایشانی، طاهر. (۱۳۹۴). انتقاد در شعر شاعران زن پس از انقلاب (فاطمه راکعی و سپیده کاشانی)، *پژوهش‌نامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۶(۲)، ۱-۲۱.
باقری، بهادر و توکلی، فاطمه. (۱۳۹۴). *قیصر امین‌پور شاعر منتقد. نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۷(۱۲)، ۶۰-۴۵.

پشت‌دار، علی‌محمد. (۱۳۸۹). *چشم‌انداز آزادگی و عدم اعتراض در شعر فارسی. دوفصلنامه علوم ادبی*، ۳(۵)، ۱۵۷-۱۷۲.

حسینی مؤخر، سید محسن، نجات، سید حمید. (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی درونمایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه. مطالعات تطبیقی فارسی و عربی*، ۱(۲)، ۳۹-۶۶.
رحمدل، غلامرضا. (۱۳۸۹). *بررسی محتوایی و تصویری شعر سلمان هراتی در مجموعه آسمان سبز. فصلنامه پژوهشی کاوش‌نامه*، ۱۱(۲۰)، ۱۱۷-۱۳۶.

رحیمی، سیدمهدی و دیگران. (۱۳۹۳). *کاوشی در مضامین انتقادی شعر برخی از شاعران معروف دهه اول انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۱(۳۶)، ۱۳۱-۱۴۹.
سازمند، فهیمه. (۱۳۹۶). *شکوائیه و اعتراض در اشعار علیرضا قزوه. مطالعات ادبیات عرفان و فلسفه*، ۳(۳)، ۸۳-۹۱.

سجادی‌راد، صدیقه، ذاکری، احمد. (۱۳۹۸). *اعتراض در مثنوی مولانا. فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۱(۴۲)، ۱۰۵-۱۳۲.
فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). *سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین‌پور. ادب پژوهی*، ۲(۵)، ۳۰-۹.

لنگرودی، محمد شمس. (۱۳۹۰). شعر و هنر یک نوع اعتراض است به جهان. نشریه گزارش، (۲۲۷)، ۶۴-۵۸.

References

Books

Aminpour, Qaisar (2009) *Complete collection of poems of Qaisar Aminpour*, Tehran: Morvarid.

Goldman, Lewis (2002) *Sociology of Literature*, translated by Mohammad Pooyandeh, Tehran: Publication of Intelligence and Initiative.

Herati, Salman (2001) *Complete collection of poems by Salman Herati*, Tehran: Young Poetry Office.

Hosseini, Seyed Hassan (2002) *Sparrow and Gabriel, Tehran: Ofogh Publishing*.

Hosseini, Seyed Hassan (2008a) *Generic Design Medication*, Tehran: Surah Mehr.

Hosseini, Seyed Hassan (2009 b) *In the Kingdom of Silence*, Tehran: Iranian Poets Association.

Hosseini, Seyed Hassan (2009) *Travelogue of Tornado*, Tehran: Iranian Poets Association.

Hosseini, Seyed Hassan (2009a) *from the wines of my mother's scarf*, Tehran: Iranian Poets Association.

Hosseini, Seyyed Hassan (2008b) *Excerpt from the poem of war*, Tehran: Surah Mehr.

Hosseini, Seyyed Hassan (2009) *in unison with Ismail's throat*, Tehran: Surah Mehr.

Kazemi, Mohammad Kazem (2011) *10 poets of the revolution*, Tehran: Surah Mehr.

Kafi, Gholamreza; Ainevand, Sadegh (2010) *Research paper on the literature of the Islamic revolution and holy defense (criticism and review of different forms and types)*, Tehran: Ashura Cultural Complex.

Moin, Mohammad (2000) *Persian Culture, Volume One*, Tehran: Amir Kabir.

Pourmumtaz, Alireza (1993) *The Culture of Publishing*, Tehran: Cultural Exhibitions Institute.

Qazveh, Alireza (1990) *From the grove to the street*, Tehran: Surah Mehr.

Qazveh, Alireza (1994) *Shebli and Atash*, Tehran: Altar of Thought Institute.

Qazveh, Alireza (2008) *Surah Angor*, Tehran: Iran Book Development Publishing.

Qazveh, Alireza (2011) *Eshgh peace on him*, Tehran: Surah Mehr.

Qazveh, Alireza (2014) *Research Journal of the Literature of the Islamic Revolution and Holy Defense*, 2 volumes, (Critique and study of different forms and types with the critique of Dr. Sadegh Ayenehvand), Tehran: Ashura Cultural Complex.

Rumi, Hamid (2001) *Dimensions of Social Justice from the Viewpoint of Imam Ali (AS)*, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.

Sangari, Mohammad Reza (2010) *Sacred Defense Literature*, Tehran: Foundation for the Preservation of the Relics and Values of Sacred Defense.

Sartre, Jean Paul (2009) *What is Literature ?*, Translated by Abolhassan Najafi and Mostafa Rahimi, Tehran: Niloufar.

Articles

Bagheri, Bahador and Tavakoli, Fatemeh. (2015). Qaisar Aminpour is a critical poet. *Journal of Sustainability Literature of Shahid Bahonar University of Kerman*, 7 (12), 45-60.

Eshani, Taher. (2015). Criticism in the Poetry of Women Poets after the Revolution (Fatemeh Rakaei and Sepideh Kashani), *Research Journal of the Institute of Humanities and Cultural Studies*, 6 (2), 1-21.

Hosseini Muakher, Seyed Mohsen, Nejat, Seyed Hamid. (2016). A comparative study of the theme of protest in the poetry of Ahmad Matar and Alireza Ghazveh. *Persian and Arabic Comparative Studies*, 1 (2), 66-39.

Langroudi, Mohammad Shams (2011). Poetry and art are a kind of protest to the world. *Report Magazine*, (227), 64-58.

Poshtdar, Ali Mohammad. (2010). The perspective of freedom and non-protest in Persian poetry. *Bi-Quarterly Journal of Literary Sciences*, 3 (5), 172-157.

Rahimi, Seyed Mehdi and others. (2014). Exploring the critical themes of the poetry of some famous poets of the first decade of the Islamic Revolution. *Islamic Revolution Studies Quarterly*, 11 (36), 131-149.

Rahmadl, Ghulam Reza (2010). Content and video study of Salman Herati's poem in Aseman Sabz collection. *Kavoshnameh Research Quarterly*, 11 (20), 117-136.

Sajjadirad, Seddiqe, Zakeri, Ahmad. (2019). Protest in Rumi's Masnavi. *Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 11 (42), 105-132.

Sazmand, Fahime. (2017). Complaints and protests in the poems of Alireza Qazveh. *Studies, Literature of Mysticism and Philosophy*, 3 (3), 83-91.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 52, Summer2022, pp. 467-491

Date of receipt: 7/11/2020, Date of acceptance: 24/2/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2021.1914326.2120](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1914326.2120)

۴۹۱

A study of protest poetry in the poems of famous poets of the Islamic Revolution Islamic Revolution

Reza Karimi Larimi¹, Dr. Reza Forsati Joybari², Dr. Hassan Mansoorian³

Abstract

In the period of the Islamic Revolution, committed and committed poets to defend the values of the revolution and promote revolutionary ideas have expressed the facts and criticized the problems and issues of social, political, cultural, religious, moral, economic, etc. of their time, which These poems have been called "protest poems". Protest poetry as a nascent literary movement, a kind of social poetry and originates from the foundations of sustainability poetry. Among the poets; Tahereh Saffarzadeh, Simin Behbahani, Sepideh Kashani and Fatemeh Rakaei are among the women critical poets; This research tries to study the themes, methods of expression, tone and format of protest in the poems of famous poets after the Islamic Revolution in various fields (political, social, religious, moral, economic, cultural, etc.) and the common denominator and Examine the differences between their poems in this regard. This research has been done in a descriptive-analytical, statistical manner using library studies. Poets have a realistic and at the same time cross-border attitude in criticizing the problems of the country or human society; As their protest poems are a reflection of the socio-political conditions of society and time, and such poems in addition to the active presence of women poets in the political and literary arenas of society is a confirmation of the sociological theory of literature that always affects art from social and political contexts. Ultimately, the purpose of protest poetry is to preserve Islamic values, reform society, and combat injustice. The highest frequency of reflection of protest themes in Tahereh Saffarzadeh's poems and the lowest frequency is related to Sepideh Kashani, which has been composed in the form of Sepid, Nimai, Ghazal, Rubaei, etc. in political and social fields, respectively. These protests are global (foreign) and sometimes domestic, where the first type of protests revolves around protests against the policies of world powers, and domestic protests are related to injustices in society.

Keywords: Literature of the Islamic Revolution, Poetry of Protest, Injustice, Salman Herati, Seyed Hassan Hosseini, Qaisar Aminpour and Alireza Qazveh.

¹. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran. Reza.karimilariimi@yahoo.com

². Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran. (Corresponding Author) r.forsati@qaemiau.ac.ir

³. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran. h.mansoryan@qaemiau.ac.ir

